



موجودی است جداگانه و در قیامت فرشتگان حتی جبرئیل در یک صفند اما روح صف جداگانه‌ای دارد.

ولی با توجه به بحثهایی که در آیات گذشته نمودیم اینجا مقصود از روح «جبرئیل» است. در شب قدر روح (جبرئیل) و فرشتگان فوج فوج فرود می‌آیند. زمانها از نظر انسانهای الهی مختلف است لقاست که اینجور تعبیر کرده است. در اینجا سنوالی مطرح می‌شود و آن اینکه فرشتگان در شب قدر به چه منظوری فرو می‌آیند؟

جواب - برای دو جهت:

جهت اول: در شب قدر، دو مسئله از نظر «ولی وقت» مطرح است:

۱- گفته شده که در هر زمانی و دوره‌ای از آدم تا انقراض آن همیشه یک «ولی» در دنیا وجود داشته و دارد و در عصر حاضر این ولی امام زمان (عج) است. در شب قدر روح مقلس ولی عصر با دوجا تماس برقرار میکنند:

الف - بالوح محفوظ ب - بالوح محو و اثبات

الف: مقصود از لوح محفوظ عبارتست از برنامه‌ای که تا سال آینده برای انسانها واقع است که «ولی» آن برنامه را می‌فهمد.

ب: مقصود از لوح محو و اثبات یعنی برنامه‌ای که خداوند از نظر تغییر و تبدلش در اختیار «ولی» قرار داده است.

پس اختیار نامه‌ای در اختیار امام زمان (عج) است و او نسبت به سال آینده آنرا بررسی میکند. اینکه در روایات آمده که در شب قدر مقید باشید برای توسل به امام زمان (عج) به خاطر همین چیزهاست.

تنزل الملائکه... یعنی به اجازه خداوند ملائکه و روح گروه گروه فرود می‌آیند. برای کل امر برای «غایب» است لذا در «کل» برای تقدیر هرامری. یعنی امر سال آینده. در زمانی که رسول الله بود مربوط به او بود در زمان غیبت رسول به ائمه حاضر مربوط می‌شود.

جهت دوم: فرشتگان می‌آیند در آن شب پس یک

انزلیله الفجر
تامطلع الفجر

فرشتگان و ملائکه در شب قدر فرود می‌آیند و در آن شب روح مقلس ولی عصر با دوجا تماس برقرار میکنند. الف: مقصود از لوح محفوظ عبارتست از برنامه‌ای که تا سال آینده برای انسانها واقع است که «ولی» آن برنامه را می‌فهمد. ب: مقصود از لوح محو و اثبات یعنی برنامه‌ای که خداوند از نظر تغییر و تبدلش در اختیار «ولی» قرار داده است. پس اختیار نامه‌ای در اختیار امام زمان (عج) است و او نسبت به سال آینده آنرا بررسی میکند. اینکه در روایات آمده که در شب قدر مقید باشید برای توسل به امام زمان (عج) به خاطر همین چیزهاست. تنزل الملائکه... یعنی به اجازه خداوند ملائکه و روح گروه گروه فرود می‌آیند. برای کل امر برای «غایب» است لذا در «کل» برای تقدیر هرامری. یعنی امر سال آینده. در زمانی که رسول الله بود مربوط به او بود در زمان غیبت رسول به ائمه حاضر مربوط می‌شود. جهت دوم: فرشتگان می‌آیند در آن شب پس یک

اما روح در اینجا چیست؟... میدانیم ملائکه همان فرشتگانند برای روح سه حالت در نظر گرفته‌اند:

- ۱- عده‌ای گفته‌اند در شب قدر، گروه گروه فرشتگان فرود می‌آیند که از جمله جبرئیل هم می‌آیند.
- ۲- عده‌ای دیگر گفته‌اند در این کلمه، منظور از روح فرشتگان هستند که بقیه فرشتگان آنها را نمی‌بینند مگر در شب قدر.
- ۳- بعضی می‌گویند روح ملائکه نیست بلکه

«تَنْزَلَ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ»
ترجمه: در این شب فرشتگان و روح (جبرئیل) به اذن خدا (بر امام عصر) از هر فرمان و دستور الهی (و سر نوشت خلق) نازل می‌گردند.
کلمه تنزل در اصل تنزل بوده از باب تفعیل. معنی باب تفعیل پیلرپی آمدن است، پی در پی، گروه گروه، فوج فوج. در آن شب ملائکه و روح فرود می‌آیند؟ برای همین کل امر.

جهاد

آزادی خاصی در آن شب وجود دارد برای هبوط فرشتگان، فرشتگان میآیند و به عبادات انسانها رسیدگی می کنند حتی عبادت میکنند به تناسب عبادتشان و طلب بخشش می نمایند.

بحث به این آیه شریفه رسید: «تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر» در آن شب قدر برای بشر ملائکه و روح فرود می آیند فوج فوج به اذن پروردگارشان. انهم برای هرامری از امور و حادثه و واقعه ای نسبت به سال آینده. اینکه گفته میشود روح، مادی نیست بلکه مجرد است. پس باید موجود خاصی باشد در آنشب ملائکه و روح دسته دسته فرود می آیند برای کی و کجا؟ گفتیم دو جهت دارد:

۱- در رابطه با شب قدر

۲- در رابطه با نفس نفیس «ولی»

ليلة القدر... یعنی آن روح مقدس بهتر است از هزار ماه و عملی که از آن روح صادر می شود در مقایسه با هزار ماه، افضلتر است. می خواهد آن روح را توصیف نماید. ارزش این روح اینست که معبود

هم که باشد.

بنابراین روح اولیا و معصومین محل رفت و آمد ملائکه است.

اما بحث وحی چیز دیگری است و اشتباه نشود این آیات اشاره است به ربط معنویت و فرشتگان انهم در رابطه با الله.

اینجا تفسیر مختصری راجع به آیه چهارم گفته شده «تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امره آیه پنجم: «سلام هی حتی مطلع الفجر»

ترجمه: «در این شب رحمت و سلامتی است تاصبح»

سلام یا سلامت از نظر لغت معنایش یکی است به معنای «ایمنی» و اغلب (اسم شخص) وقتی در مفردات سلامت را تعریف میکند میگوید «سلامت» یعنی عربان شدن از آفتهای ظاهری و باطنی که در یک لغت فشرده بریزیم شاید میتوان گفت بمعنی «ایمنی» است.

یعنی تحت شرایطی قرار گرفته که آفت به او نمیرسد. اما راغب اینطور میگوید که حالا آفتی به او نمیرسد. معنایش یا لغت ایمنی فرق میکند پس

۲- «در آن شب فرشتگان فرود میآیند و درود

خداوند را به بندگان صالح خدا ابلاغ می کنند نه درود شخصی خود را بلکه سلام آوردن است.

۳- سلام هی حتی مطلع الفجر. یعنی آن شب که شب ایمنی و شب دوری از آفات است. زمان و مکانی است که انسان در آن مکان قرار گرفته و اصلا میکروبی در آن نفوذ ندارد در اینجا ایمنی را به مکان تشبیه کردیم.

چگونه از نظر زیستن مکانی با مکان دیگر فرق میکند در متون اسلامی می خوانیم که در شب قدر خداوند امر میفرماید که شیاطین را درغل و زنجیر میکشند تا بندگان صالحین بتوانند عبادتی خالص انجام دهند. بنابراین آن شب، شب ایمنی است پس با مکانهای دیگر فرق دارد انهم تا «حتی مطلع الفجر» یعنی تا سپیده دم شیاطین به غل و زنجیر کشیده میشوند برای اینکه بندگانی که طالب عبادتند کنند

۴- «سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ» آن شب، شبی است که فرشتگان و روح پس کربی فرود می آیند و عنایات و رحمت خدائی را می آورند. از پس در آن شب عنایات زیاد است که شیاطین نمی توانند به بندگان صالح خدا اثری بگذارند. بر طبق روایات اسلامی، رحمت خداوند در آنشب استثنائی است.

معنای چهارم تطبیق هم در اصول و هم در متون اسلامی بیشتر است لذا راجع بین روایات است که «سلام هی...» آن شب و آن زمان اصلا خودش سلامتی است. و نه درود فرشتگان و نه ابلاغ خداوند خود شب ایمنی است، در ارتباط با معنای زمان و اما در ارتباط با معنای روح مقدس پیغمبر (ص) و اولیا و معصومین گفته شد که فرشتگان و روح به اذن خدا نازل میشوند بر آن روح مقدس.

برای هرامری از امور «فیهما باذن ربهم من كل امر». این روح روحی است که ایمنی دارد. روحی است که هیچ آلوده نمیشود. این لیلۃ قدر. و نفس با لوزش بیلاتمی است. و میری است از تمام آفات.

«حتی مطلع الفجر» تاکی؟؟؟؟ تاطلوع فجر تا قیام فجر. انسان درافت طبیعت و در این شب سیر می کند. و سیرش از نظر زمانی ختم میشود به طلوع فجر قیامت. برای این است که، هر وقت در قرآن بحث قیامت را پیش میکشد لفظ «یوم» را می آورد دنیا شب است. ولی قیامت «روز» است. همه سیرالی الله داریم در این شب ظلمانی.

خداوند دو نیرو به انسان داده است که بوسیله آن میتوان سیر الی الله نمود:

۱- نور باطن که عبارت از نیروی عقل است.
۲- مکتبهای الهی و انبیاء کرام که نیروی خارجی هستند.

لذا در روایتی از حضرت موسی بن جعفر (ع) آمده است که میفرماید برای سیر انسان بسوی خدا دو جهت موجود است:

۱- نیروی باطن که همان عقل است ۲- نیروی خارج که همان رسالت انبیاست.

بقیه در صفحه ۶۳

در سب قدر، فرشتگان فرود می آیند و درود خداوند را به بندگان صالح خدا ابلاغ می کنند. نه درود شخصی خود را. بلکه سلام الهی را می رسانند

«سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ»
یعنی آن نفس و روح مقدس در ایمنی است و هیچ آفت نخواهد دید با سیرش را در این عالم طبیعت مابان برساند

فرق است بین لغت «ایمن» و «سلامت» و اما معنای دوم سلامت یعنی «درود و تهنیت». درود و تهنیت همان پاک شدن از آفتهای ظاهری و باطنی است. میخواهیم که تو سلامت باشی دستخوش آفات نشوی. یعنی تشبیه میکند شخصی را به وجودی که از آفت ها بدور است.
... مطلع الفجر، لغت فجر بمعنی سپیده دم است. مطلع در اینجا بمعنی هنگام «طلوع استعمال شده است».

حال ترجمه آیه:

۱- شب قدر، شب ایمنی و سلامتی و تحری است از نظر ظاهری و باطنی و در آن شب درود است تا هنگام سپیده دم.

گفته اند که اگر در اینجا شب قدر را ظرف زمان بگیریم اینطور تفسیر می شود که فرشتگان الهی و روح در شب قدر فرود میآیند و درود میفرستند بر بندگان صالح خدا تا هنگام سحر. درود از شخص ملائکه است یعنی فرشتگان درود میفرستند بر بندگان خاص خدا و به آنها میگویند درمان و دور از آفات باشید.

فرودگاه فرشتگان و فرشته بزرگ الهی است. «تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم» این روح و نفس نفیس محلی است که فرشتگان و روح به اذن خداوند در آن فرود میآیند.

«من كل امر» برای هرامری که در رابطه است با لوح محو و اثبات برای ولی در هر عصری. بنابراین روش آیات با آن دو معنا منسجم است لذا وقتی برخورد می کنیم به جملاتی که در متون اسلامی به اولیا و معصومین (ع) خطاب شده این چنین آمده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلِيَّةِ النَّوَّةِ. وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ. وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ». درود بر شما ای خاندان نبوت. ای کسانی که شما موضع رسالت الهی هستید و هدف گیری شده اید. شما نیز که فرشتگان الهی با شما و خاندان شما در رفت و آمد هستند. تنزل الملائکه آیه شریفه این مطلب بدست میآید که می فرماید فرود می آیند فرشتگان و روح در این محل. چون اینها نور واحدی هستند (بعنی است جدا که از این بحث خارج است) از این جهت فرقی بین نفس مقدس پیغمبر و سایر اولیا نیست ولو در شب خاص